



کاوتی در

آثار میرابوطالب فندرسکی

وجود در دست داشتن گزارش‌های فراوانی از کارنامه علمی او، حتی بر سال مرگ وی دست نیافته‌ایم. این فقیه، ادیب، شاعر، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس، شارح و فیلسوف عالی‌قدر، در زمان شاه سلیمان صفوی می‌زیسته، و هم‌چون میرفندرسکی، به هندوستان مسافرت کرده، و در تکیه میرفندرسکی در تخت فولاد اصفهان در کنار جدش به خاک رفته است.

خاندان

جلال‌الدین میرزایبک فندرسکی، پدر سیدابوطالب فندرسکی است که در تکیه میر، به خاک رفته است.^۱ از اشعار او است:

تکیه بر نام نهالی می‌کنم

چشم گرم از خواب قالی می‌کنم^۲
جدّ مادری میرابوطالب، فیلسوف نامدار و فرزانه، حکیم الهی، عارف ربّانی، کیمیاگر و شیمی‌دان نامی، مورّخ و مدرّس برجسته، شارح، شاعر، ادیب و دانشمند بزرگ ایرانی، میرسیدابوقاسم بن میرزایبک بن میرصدرالدین حسینی موسوی است که در حدود سال ۹۷۰ هجری قمری در ناحیه فندرسک پا به جهان نهاد، در سال ۱۰۵۰ ق در اصفهان به خاک رفت، و هم‌اکنون مزار او به تکیه میرفندرسکی نام‌بردار است.

زادگاه

فندرسک، به کسر «فاء» و «نون»، و کسر «دال» و «راء» از توابع استرآباد است^۳، و در فاصله دوازده فرسخی آن قرار دارد.^۴ منسوبان به این ناحیه را «فندرسکی» می‌خوانند.^۵ تاریخ دقیق پدیدآمدن «فندرسک» چندان روشن نیست؛ به ویژه آن‌که در منابع تاریخی کهن و سفرنامه‌ها نشان‌چندانی از آن نیست؛ درباره آن می‌توان به منابع زیر نگریست:

- ۱- ص ۸۶، خیام‌پور، عبدالرسول، فرمگ سخنوران، ج ۱، ص ۲۷.
- ۲- گزی اصفهانی، عبدالکریم، رجال اصفهان، ص ۲۰۶.
- ۳- فندرسکی، ابوطالب، بیان البدیع، ص ۱۰۹.
- ۴- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، صص ۵۰۱-۵۰۲.
- ۵- محدث قمی، عباس بن محمدرضا، الکنی والألقاب، ج ۳، ص ۳۶.
- ۶- همان، همان‌جا.

■ محمدرضا زاهدی

کلیدواژه‌ها

سیدابوطالب فندرسکی، میرفندرسکی، فندرسک، تخت فولاد اصفهان.

چکیده

سیدابوطالب فندرسکی از دانشمندان اصفهان در دوره شاه سلیمان صفوی است که در تخت فولاد اصفهان به خاک رفته است. وی آثاری به نظم و نثر دارد که به بررسی آن‌ها و معرفی نسخه‌های خطی و چاپی هریک پرداخته‌ایم.

مقدمه

سیدابوطالب فندرسکی جلال‌الدین میرزایبک موسوی فندرسکی استرآبادی اصفهانی (۱۰۶۷ - بعد از ۱۱۲۴ ق)، پرکارترین و مشهورترین فرد از بازماندگان میرابوقاسم فندرسکی (۹۵۰ - ۱۰۵۰ ق) به شمار می‌رود. مادر او دختر ابوالمفتح میران فرزند میرفندرسکی (۹۵۰ - ۱۰۵۰ ق) به شمار می‌رود. بوده است؛ بنابراین، وی را باید نواده دختری جناب میرفندرسکی در شمار آوریم. در برخی از متون، سیدابوطالب را خواهرزاده و گاه فرزند میرفندرسکی محسوب داشته‌اند.^۱ اکنون با

۱- از جمله بنگرید به: نواب شیرازی، علی‌اکبر، تذکره دل‌گشا،



۱. روزنامه اردوی همایون، سال اول، شماره ۵، رمضان ۱۳۰۰ ق، ص ۳ که از سفر ناصرالدین شاه به این ناحیه سخن گفته است.
۲. ستوده، منوچهر (۱۲۹۲ ش)، «فندرسک و رامیان»، فصل یازدهم از کتاب *از آستارا تا استرآباد*، شامل بناهای تاریخی کوهستان و دشت گرگان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۷ ش.
۳. سعیدی، محمدعلی، *تاریخ رامیان و فندرسک*، [بی جا]: مؤلف، ۱۳۶۴ ش، ۱۵۹ + ۲۳ ص.
۴. نظری، محمدابراهیم، *جغرافیای تاریخی کتول به ضمیمه دهات فندرسک و ملک*، تهران: مؤلف، چاپ اول ۱۳۷۶ ش، ۲۴۰ ص، وزیری.

استادان

- از استادان میرابو طالب به نام اینان دست یافته ایم:
۱. آقاحسین خوانساری (۱۰۱۶-۱۰۹۸ ق).
فرزند جمال‌الدین محمد خوانساری. خود، شاگرد جناب میرفندرسکی در حکمت و عقلیات بوده است.^۱
میرابو طالب به املائی نظریات استاد در قالب حاشیه بر *تفسیر بیضاوی* می‌پردازد، و در دیباچه این اثر، استاد را می‌ستاید، القاب استاد در این اثر به چند صفحه می‌رسد.^۲
هم‌چنین در رساله *بیان البدیع* خود، از نمونه نثر و شعر فارسی و عربی آقاحسین به عنوان شاهد سود می‌جوید^۳، و از او به این عنوان یاد می‌کند: «جناب زبده‌المجتهدین، اعتضاد‌الملّه والدین،

- استادالبشر، العقل‌الحادی عشر»^۴، «استاد‌الدوران، نحریر الزّمان، علام ذوفنون، وارث حکمت ارسطو و افلاطون، قدوه العالمین، خاتم‌المجتهدین»^۵، «استاد‌المجتهدین، قدوه العالمین حضرت آقاحسین»^۶، «استاد‌المجتهدین، رکن‌الملّه والدین»^۷، «جناب گردون مآب، عالی‌حضرت استادیم»^۸، «حضرت استاد‌المحققین، اعتضاد‌الملّه والدین»^۹، «حضرت بندگان، علامه‌الدورانی، نحریر الزّمانی، جناب استادیم آدم‌الله ظلّله»^{۱۰}، «اول‌المجتهدین، اعتضاد‌الملّه والدین، فرید دهره و وحید عصره»^{۱۱}.

آقاحسین، دو بیت برای دیباچه نگارخانه چین از آثار سیدابو طالب و به خواهش هم‌سروده است:
عکس ساقی باز در ساغر فتاد

خیر یاد صبر و طاقت خیر یاد

ساقی آمد باز با صد آب و تاب

خرّم و خندان‌تر از عهد شباب^{۱۲}

آقاحسین، برای دیباچه *ساقی‌نامه* از آثار سیدابو طالب

و به خواهش هم‌سروده است:

ثنای ایزدی راکه از نور پاک

شراب روان ریخت در جام خاک^{۱۳}

۲. ملا محمد باقر (محقق) سبزواری (۱۰۱۷ -

۱۰۹۰ ق).^{۱۴}

۳. میرزا محمد شیروانی.

میرابو طالب در رساله *بیان البدیع* خود، گاه از

۴- همان، صص ۳۲، ۱۳۵.

۵- همان، ص ۱۳۱.

۶- همان، ص ۱۳۳.

۷- همان، ص ۱۳۷.

۸- همان، ص ۲۰۳.

۹- همان، صص ۱۵۱، ۱۶۳.

۱۰- همان، صص ۱۵۱، ۱۶۳، ۲۰۴.

۱۱- همان، صص ۱۶۲-۱۶۳.

۱۲- همان، صص ۱۳۵، ۱۳. همان، ص ۲۰۴.

۱۳- امین عاملی، سید محسن بن عبدالکریم، *اعیان‌الشیعه*، ج ۲،

صص ۳۶۵-۳۶۶.

۱- خاتون‌آبادی، عبدالحسین، *وقایع‌السنین و الأعوام*، ص ۵۱۴، ذیل حوادث سال ۱۰۵۰ ق؛ افندی اصفهانی، میرزا عبداللّه بن عیسی، *ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء*، ج ۵، ص ۴۹۹؛ خوانساری موسوی اصفهانی، سید محمد باقر بن زین‌العابدین، *روضات‌الجنّات فی احوال‌العلماء و السادات*، ج ۲، ص ۳۵۴؛ تهرانی، آقابزرگ، *الروضه‌النضرة*، ص ۴۵؛ امین عاملی، سید محسن بن عبدالکریم، *اعیان‌الشیعه*، ج ۲، ص ۴۰۳؛ گزی اصفهانی، عبدالکریم، *تذکره‌القبور*، ص ۵۰.

۲- بنگرید به: نسخه خطی آن، موجود در کتابخانه مدرسه آیت‌الله گلپایگانی.

۳- فندرسکی، ابو طالب، *بیان‌البدیع*، صص ۳۲، ۱۳۵، ۱۳۷.

۱۵۱، ۱۶۳، ۲۰۴-۲۰۵.

نمونه‌های نثر عربی شیروانی به عنوان شاهد مثال سود می‌جوید، و از او به «مولانای فاضل کامل حبر علامه‌نحیر ذوفنون استادی»^۲ و «علامه‌الدورانی»^۳ تعبیر می‌کند.

۴. علامه محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ ق).

در ۲۴ ربیع‌الأول ۱۱۰۲ ق به خط خود برای میرابوطالب اجازه کامل و شاملی صادر کرده است.^۴ در بحار‌الانوار اشاره‌ای به این اجازه نشده؛ چراکه پس از نگارش بحار صادر شده است، چنان‌که در متن اجازه، به جلد بیست و پنجم بحار ارجاع می‌دهد. علامه مجلسی در این اجازه، جناب فندرسکی را خلاصه السادات، جامع فنون فضائل و کمالات، نقاوه الفضلاء و خلاصه الأذکیاء می‌خواند، و به او اجازه می‌دهد تا از تمام آنچه خود، مطالعه کرده و شنیده، و آنچه شیععه و سنی در فنون مختلف به نگارش درآورده‌اند، نقل کند.

ذکر معاصران را وامی‌نهیم، و نه بحث را تطویل می‌دهیم؛ چراکه برای شناخت اوضاع و زمانه میرابوطالب ناچاریم تا از تعدادی از معاصران و معاشران او نام ببریم، پیدا است که استادان او نیز معاصر با وی محسوب می‌شوند، ولی چون پیش‌تر به آنان پرداخته شد، در این جا از ذکر ایشان خودداری می‌شود:

۱. شیخ محمدجعفر کمره‌ای.^۵

قوام‌الدین جعفر فرزند عبدالله بن ابراهیم حویزی کمره‌ای اصفهانی نجفی. مشهور به شیخ جعفر قاضی (م ۱۱۱۵ ق)، فقیه و شاعر، مدفون در نجف اشرف. شاگرد ملامحمدباقر سبزواری و ملامحمدتقی مجلسی. منصب قضاوت اصفهان با او بود. از آثار او ذخائر‌العقبی در تعقیبات، وجیزه در حکم ولایت وصی بر نکاح صغیر، رساله در اصول دین، حاشیه بر شرح لمعه و حاشیه بر کفایه سبزواری است.

او نیز همانند سیدابوطالب، در طبقه شاگردان آقا حسین خوانساری بوده، و استاد را در اشعار خود مدح و ستایش کرده است.^۶ با این حال وی را استاد سیدابوطالب نیز خوانده‌اند.^۷ میرابوطالب در رساله بیان‌البديع خود، گاه از نمونه‌های نظم عربی کمره‌ای به عنوان شاهد مثال سود می‌جوید،^۸ و از او به این الفاظ یاد می‌کند:

«فاضل علامه»^۹

«علامه شیخ محمدجعفر»^{۱۰}

معاصران

گاه در سرگذشت‌نگاری‌های معاصر مشاهده می‌شود که به کلی از ذکر معاصران صاحب ترجمه و بررسی اوضاع

گاه در سرگذشت‌نگاری‌های معاصر زمانه وی غفلت مشاهده می‌شود که به کلی از ذکر معاصران صاحب ترجمه و بررسی اوضاع زمانه وی غفلت می‌شود، و گاه تمام کسانیکه تولد و وفاتشان نزدیک به تمام کسانیکه تولد و وفاتشان صاحب ترجمه نزدیک به صاحب ترجمه است، به عنوان معاصران او نام برده می‌شوند. معاصران او نام برده می‌شوند.

این جا برای دوری از افتادن در ورطه اشتباه دوم، به کسانی می‌پردازیم که علاوه بر معاصرت، با جناب میرابوطالب، معاشرت نیز داشته‌اند.

در حقیقت، بر خلاف دو رویه نادرستی که آمد، نه

۱- فندرسکی، ابوطالب، بیان‌البديع، صص ۱۳۶، ۱۴۹، ۱۵۰.

۲- همان، همان‌جا.

۳- همان، صص ۱۴۹.

۴- حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۲، صص ۷۸۹.



۵- خوانساری موسوی اصفهانی، سیدمحمدباقر بن زین‌العابدین، روایات الجنات فی احوال العلماء و السادات، صص ۱۴۹؛ مدرّس قاموسی (تبریزی)، محمدعلی، ریحانه‌الادب، ج ۲، صص ۸۵؛ مهدوی، سیدمصلح‌الدین، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، صص ۸۳۱.

۶- فندرسکی، ابوطالب، بیان‌البديع، صص ۱۳۱-۱۳۳، ۱۳۷-۱۳۸.

۷- روضاتیان، مریم، پیش‌گفتار رساله بیان‌البديع، صص ۱۵.

۸- فندرسکی، ابوطالب، بیان‌البديع، صص ۸۴، ۱۲۵، ۱۳۰-۱۳۳، ۱۳۷، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۴، ۲۱۴.

۹- همان، صص ۸۳.

۱۰- الف در پایان اسم، برای بزرگداشت است، همانند آخوند کمالا، ملا مسیح و ...

۱۱- همان، صص ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۳۳.

معانی^{۱۲} و «فهرست مجموعه قابلیت و استعداد»^{۱۳} یاد می‌کند.

۵. محمدطاهر.

میرابوطالب در رساله بیان البدیع خود، از شعر فارسی «جناب میرزا محمدطاهر وحید واقعه نویس دام ظلّه» به عنوان شاهد مثال سود می‌جوید.^{۱۴}

۶. میرزا نجات.

میرابوطالب در رساله بیان البدیع خود، از شعر فارسی «میرزا نجات سلمه الله تعالی» به عنوان شاهد مثال سود می‌جوید.^{۱۵}

آثار

از نعمت‌هایی که میرابوطالب از آن بهره‌مند بوده است، یکی هم نعمت قلم است. وی به شکرانه عالم بودنش دست به قلم برده، و مطالبی نگاشته، و آثاری از نعمت‌هایی که میرابوطالب پدید آورده است. شماری از آن بهره‌مند بوده است، یکی هم نعمت قلم است. وی جد او جناب میرفندرسکی به شکرانه عالم بودنش نسبت داده‌اند؛ همانند: *المنتهی؛ سامی‌نامه؛ غزوات حیدری؛ شرح «تجربید العقاید»؛ حاشیه حاشیه «تجربید»؛ ترجمه فارسی «شرح لمعه»؛ حاشیه بر «تفسیر بیضاوی» [(انوار التنزیل)؛ توضیح المطالب فی شرح «خلاصه الحساب».*

هم چنین کتاب صنایع، نگاشته مشهور میرفندرسکی را در شمار آثار سیدابوطالب ثبت کرده‌اند.^{۱۶}

فهرست آثار سیدابوطالب که از درهم‌کرد گفته‌های تذکره‌نویسان به دست می‌آید، از این قرار است:

یک. بهارستان اقبال. انشایی به زبان فارسی که در بیان البدیع از آن یاد می‌کند،^{۱۷} و بنابراین، پیش از آن به نگارش درآمده است. در منابع، نامی از آن نیافته‌ام.

۱۲- همان، صص ۱۴۷، ۲۰۴.

۱۳- همان، صص ۱۴۹.

۱۴- همان، صص ۱۶۳-۱۶۴.

۱۵- همان، صص ۱۸۷، ۲۰۴.

۱۶- همان، صص ۷۸، ۸۱، ۹۲، ۹۸، ۱۱۹، ۱۶۴، ۲۱۴-۲۱۵.

۱۷- فندرسکی، ابوطالب، بیان البدیع، صص ۱۶۲.

«فاضل زمان و علامه دوران»،^۱

«علامه الدورانی»،^۲

«علامه الزمانی، مجتهد الدورانی»،^۳

«فاضل کامل حبر».^۴

وی نیز سیدابوطالب را به نشر^۵ و نظم^۶، ستوده است.

۲. میرزا عبدالله بن عیسی افندی اصفهانی (م ۱۱۳۰ق).

با ابوطالب به درس علامه محمدباقر مجلسی حاضر می‌شده‌اند. افندی، شرح حال سیدابوطالب را در ریاض العلماء و حیاض الفضلاء آورده است.^۷

۳. سیدعلی امامی.^۸

سیدعلی امامی عریضی اصفهانی، فرزند محمد بن اسدالله بن ابوطالب. دانشمند، محدث و مترجم برجسته. از شاگردان آقا حسین خوانساری و علامه مجلسی. صاحب کتاب بزرگ هشت بهشت^۹ شامل: *جته الفردوس* در شرح کتاب من لایحضره الفقیه، *جته الخلد* در شرح کافی، *جته الخلد التعمیم* در شرح تهذیب، *جته المأوی* در شرح استبصار، *جته المقام* در شرح کمال الدین و تمام التعمه، *جته الصدق* در شرح امالی، *جته عدن* در شرح علل الشرایع، *جته السلام* در شرح عیون اخبار الرضا- علیه السلام-. وی را شاگرد میرابوالقاسم فندرسکی معرفی کرده‌اند که نادرست می‌نماید.^{۱۰}

۴. محمد تفرشی.

میرابوطالب در رساله بیان البدیع خود، گاه از نمونه‌های نثر فارسی میرزا ظهیرالدین محمد تفرشی به عنوان شاهد مثال سود می‌جوید^{۱۱}، و از او به عنوان «واقف رموز نکته‌دانی و شکارافکن صیدگاه

۱- همان، صص ۱۳۷.

۲- همان، صص ۱۵۵-۱۵۶، ۱۶۲، ۱۶۴.

۳- همان، صص ۲۱۴.

۴- همان، صص ۱۳۰-۱۳۱.

۵- همان، صص ۱۶۲.

۶- همان، صص ۱۲۵، ۱۳۰-۱۳۱.

۷- ج ۵، صص ۵۰۰-۵۰۱.

۸- صص ۸۱۷-۸۱۸.

۹- شیروانی، محمد، فهرست وزیری، ج ۱، صص ۱۳۹.

۱۰- همان، صص ۱۴۸-۱۵۰، ۱۶۲-۱۶۳، ۲۰۴، ۲۰۷-۲۰۹.

۱۱- همان، صص ۵۳، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۳۶-۱۳۷، ۱۷۴، ۲۰۶.

دو. بهارستان خیال. در تذکره‌ها نامی از آن نیست؛ ولی وی در رساله بیان البديع خود به ابیاتی از آن تمثیل می‌جوید:

گاهی زندان بود گهی باغ^۱

گاهی مرهم شود گهی داغ

پیش از بیان البديع تألیف شده است.

سه. بیان البديع آیا رساله در بیان و بديع^۲، به زبان فارسی، در موضوع ادبیات و به نام شاه سلیمان صفوی. در آن به جملات و اشعاری از آثار خود که در بهارستان اقبال^۳، بهارستان خیال^۴، غزوات حیدری^۵، تعلیقه بر حاشیه خفری بر الهیات تجرید^۶، ساقی‌نامه^۷، حاشیه بر «تفسیر بیضاوی»^۸، قصیده لامیه^۹، تقویم^{۱۰}، صیدگاه^{۱۱}، هفت کوکب^{۱۲}، شرح عوامل^{۱۳} و نگارخانه چین^{۱۴} به کار رفته است، تمثیل می‌جوید؛ بنابراین، پس از آن‌ها تألیف شده است. می‌توان آن را شرح و ترجمه آزادی از بخش بیان و بديع مطول تفتازانی به شمار آورد؛ چنان‌که حتی گاه سبک جمله‌بندی‌های فارسی به جملات عربی مطول شبیه است.

در یک مقدمه، دو مقاله و یک خاتمه. در مقدمه به تعریف علم بیان و علم بديع می‌پردازد. مقاله نخست شامل سه فصل به تشبیه، استعاره و کنایه و در حقیقت، فن بیان اختصاص دارد. مقاله دوم در بیان محسنات

کلام یا همان البديع است که در دو مقوله محسنات معنویه و محسنات لفظیه پی گرفته می‌شود. در خاتمه به ذکر سرقات شعریه روی آورده است. با آن‌که موضوع کتاب در بیان و بديع است، و بنابراین، جناب مؤلف می‌توانسته است دشوارتر نیز بنویسد؛ ولی نثر کتاب، ساده و روان است. وی بارها نمونه‌های نثر و شعر خود را به عنوان شاهد می‌آورد.

آغاز:

بسمله، «افتتاح بیان بديع روشن، تقریر معانی حمد و سپاس حضرت بی‌شبهه و مثالی است که صاحب فکر متخیله و نقش‌بند صور متفکره، در اظهار مطلوب تمثیل از آن و تحصیل شبیه و نظیر آن از مفروقات غریبه و بعیده صور گوناگون... اما بعد، چنین گوید بنده ضعیف محتاج پروردگار قوی غنی... علم بیان، علمی است که به سبب آن، معرفت و شناسایی حاصل شود که از هر معنی که در ذهن درآید...»^{۱۵}

تجمل:

«... و همان کلام است که مصاقع بلغا در آن، متحیر بوده، و شفاشقی فصحا از اتیان به مثل سوره‌ای از آن به عجز و قصور، اعتراف نموده‌اند. این است تمام آن‌چه اهل عربیت از فن بیان و فن بديع و خاتمه فنون ثلاثه، یعنی معانی و بیان و بديع، در مصنفات خویش کرده‌اند. اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ ابْتِدَاءَ خَلْقَتْنَا حَسَنًا بِالْإِيْجَادِ وَأَوَاسِطَ أَحْوَالِنَا بِالْتَخْلِصِ عَنِ تَشْيِيبِ الضَّلَالِ بِالرِّشَادِ، اخْتَمَ عَاقِبَةَ أُمُورِنَا بِالْحُسْنَى، فَإِنَّكَ الْأَوَّلُ وَآخِرُ الْمُنْتَهَى».

نسخه‌های خطی

۱. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، رساله نخست از مجموعه شماره ۵۹۸۰، کتابت ابوطالب بن ملک جابر انصاری غوریانی در ۶ ربیع الثانی ۱۱۱۳ ق به نستعلیق، صص ۲- ۱۴۵.^{۱۶}

- ۱- اعتصامی آشتیانی، یوسف، فهرست مجلس، ج ۱، ص ۳۵۶.
- ۲- افشار، ایرج و دیگران، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک وابسته به آستان قدس رضوی، ج ۲، ص ۶۴.
- ۳- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۵۰۰؛ تهرانی، آقابزرگ، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، ج ۳، ص ۱۷۷؛ ش ۶۳۲؛ ج ۲۰، ص ۲۱؛ حسینی اشکوری، سیداحمد، تلامذه العلماء المجلسی و المجازون منه، ص ۱۵؛ گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الامامیه، ج ۲، ص ۲۰۸؛ زادشوش، محمدرضا، راه‌نمای پژوهش درباره میرفندرسکی، ص ۲۷.
- ۴- تبریزی، میرزا علی، مرآه الکتب، ج ۱، ص ۲۰۱.
- ۵- فندرسکی، ابوطالب، بیان البديع، صص ۱۵۰- ۱۵۱.
- ۶- همان، صص ۴۶، ۴۸، ۷۸، ۱۶۹.
- ۷- همان، صص ۱۴، ۳۰-۳۱، ۳۴-۳۶، ۳۸، ۴۷، ۵۲-۵۴، ۵۶، ۵۹، ۶۱، ۶۴-۶۶، ۶۸، ۷۱-۷۳، ۷۹، ۸۰، ۸۸، ۹۵-۱۰۱، ۹۶، ۱۰۵-۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۰-۱۲۱.
- ۸- همان، صص ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۸۷، ۲۰۴.
- ۹- همان، صص ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۰، ۷۰، ۸۵، ۹۰-۹۱، ۹۳-۹۴، ۹۷، ۹۹-۱۰۱، ۱۰۱، ۱۲۱، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۵۶، ۱۶۹، ۱۹۷-۱۹۸، ۲۰۴.

۲. کتابخانه ملی ملک، شماره ۱۶۸۵، کتابت ۱۰۹۹ ق به شکسته نستعلیق، ۱۷۰ برگ، نسخه عصر مصنف

۳. کتابخانه شخصی آیت الله سید محمد علی روضاتی (۱۳۴۸ ق) در اصفهان، بدون شماره، کتابت به نسخ.

از بررسی نسخه‌های خطی چنین برمی آید که این رساله، تحریرهای مختلف داشته، و جناب مؤلف، جملات آن را تغییر داده، و تصحیح کرده است؛ چنان که در نسخه آیت الله روضاتی چنین آمده است: «یکی در وصف شخصی گوید»، و همین موضع در نسخ دیگر: «شیخ محمد کمری در وصف خرفی یعنی این ضعیف، جوهر نثر چین در رشته تألیف کشیده».

چاپ

۱-۲. با مقدمه، تصحیح و تحشیه سید مریم روضاتیان (۱۳۵۱ ش)، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد از دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۵ ش، براساس سه نسخه خطی فوق، و سپس چاپ زیر عنوان رساله بیان بدیع در اصفهان: دفتر تبلیغات اسلامی (ش ۳)، چاپ اول ۱۳۸۱ ش، ۲۲۴ ص، رقعی، نمایه، کتاب نامه.

چهار. تحفه العالم^۱. به زبان فارسی. در تاریخ شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ق) که به سال ۱۱۰۷ ق نگاشته است. در روشن شدن مسائل تاریخی آن عصر بسیار مفید است، و از آن برمی آید که شاه در آغاز کار، سلطانی با خرد بوده، و دستورهایی پسندیده

۱- تاریخ پیش گفتار: دی ۱۳۸۰ ش.

۲- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، بخش ۳، ص ۱۵۶۹؛ مهدوی، سید مصطفی الدین، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۸؛ منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۱، ص ۱۵۶۱؛ ج ۶، ص ۴۲۸۷؛ همو، فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۲، ص ۹۲۲؛ گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الإمامیه، ج ۲، ص ۲۰۸؛ زاده‌وش، محمدرضا، راه‌نمای پژوهش درباره میرفندرسکی، ص ۲۸.

می داده؛ ولی بر اثر نفوذ دیگرانش کار بدان جا کشیده است.

نسخه‌خطی

۱. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۱ / ۲۴۶۵، کتابت ۱۱۰۴ ق. تاریخ کتابت این نسخه، سه سال پیش از ۱۱۰۷ ق است که از آن به عنوان تاریخ تألیف کتاب یاد شد، پس چنین برمی آید که احتمالاً کار او چند از آن برمی آید که شاه در تحریر داشته است. آغاز کار، سلطانی با خرد

پنج. ترجمه «الروضه البهیة فی شرح اللّمعه الدمشقیة»، ترجمه فارسی - از شرح شهید ثانی بر اللّمعه الدمشقیة. آن را به اشتباه به جناب میرفندرسکی نیز نسبت داده‌اند.

شش. تقویم. از دیباچه آن در بیان البدیع یاد می‌کند^۲، و بنابراین، پیش از آن فراهم آمده است. هفت. توضیح المطالب فی شرح «خلاصة الحساب»^۳، به زبان فارسی. شرحی است مفصل بر خلاصة الحساب جناب شیخ بهایی در موضوع

۳- دانش پژوه، محمد تقی، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۹، ص ۱۲۱۳.

۴- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۵۰۰؛ تهرانی، آقابزرگ، الدرر المعانی، ج ۴، ص ۱۰۵؛ محدث قمی، عباس بن محمدرضا، الکنی و الألقاب، ج ۳، ص ۳۶؛ تبریزی، میرزا علی، مرآة الکتب، ج ۱، ص ۲۰۲؛ گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الإمامیه، ج ۲، ص ۲۰۸؛ زاده‌وش، محمدرضا، راه‌نمای پژوهش درباره میرفندرسکی، ص ۲۸.

۵- فندرسکی، ابوطالب، بیان البدیع، صص ۱۴۷، ۲۰۴.

۶- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۵۰۰؛ تهرانی، آقابزرگ، الدرر المعانی، ج ۴، ص ۱۰۵؛ محدث قمی، عباس بن محمدرضا، الکنی و الألقاب، ج ۳، ص ۳۶؛ تبریزی، میرزا علی، مرآة الکتب، ج ۱، ص ۲۰۱؛ حسینی اشکوری، سید احمد، تلامذة العلامة المجلسی و المجازون منه، ص ۱۵؛ گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الإمامیه، ج ۲، ص ۲۰۸؛ زاده‌وش، محمدرضا، راه‌نمای پژوهش درباره میرفندرسکی، صص ۲۸-۲۹.

ریاضیات. آن را به اشتباه به جناب میرفندرسکی نیز نسبت داده‌اند.^۱

نسخه‌های خطی

۱. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۶۲۹۳، کتابت قرن ۱۱ ق، ۶۳۵ ص.^۲

۲. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۶۱۶۵، کتابت ۱۲۲۵ ق، ۵۸۶ ص.^۳

۳. کتابخانه مدرسه نمازی خوی، شماره ۴۲۹، کتابت ۱۲۱۶ ق.^۴

۴. کتابخانه آیت‌الله مرعشی، شماره ۵۹۵۴، کتابت ۱۲۳۶ ق، ۱۷۱ برگ، به خود میرفندرسکی نسبت داده شده است.^۵

۵. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۱۱۷۴، کتابت ۱۲۵۲ ق، ۱۹۵ برگ.^۶

۶. کتابخانه شخصی دکتر حسین مفتاح در تهران، شماره ۱۰۰۰، کتابت قرن ۱۳ ق.^۷

هشت. حاشیه یا تعلیقات بر «تفسیر بیضاوی» [انوارالتنزیل]^۸. به زبان عربی.

از دیباچه آن در بیان البدیع یاد می‌کند^۹ که نشان می‌دهد، پیش از آن تألیف شده، و نگارشی مستقل است نه صرفاً حاشیه‌هایی پراکنده. آن را به اشتباه به جناب میرفندرسکی نیز نسبت داده‌اند.^{۱۰} ابوطالب، در آغاز کتاب خود، شریف‌ترین دانش‌ها را علم تفسیر قرآن کریم معرفی می‌کند. در آغاز کتاب خود، شریف‌ترین دانش‌ها را علم تفسیر قرآن کریم معرفی می‌کند. به این

ترتیب، وی سال‌ها به مطالعه کتب تفسیری اشتغال داشته است تا آن‌جا که در آن میان، انوارالتنزیل و اسرار التأویل از قاضی ناصرالدین عبدالله بیضاوی را بهترین نگارش در این موضوع می‌یابد. آن‌گاه به نگارش

تعلیقاتی بر آن روی فندرسکی در اثر خود، معانی می‌آورد، و در مشکلات لغات را بروز می‌دهد، و از آن از تفسیر کبیر، کشاف، کنایات و استعارات، پرده جوامع الجامع، مجمع البیان و کشف الأستار سود می‌جوید. فندرسکی در اثر خود، معانی لغات را

بروز می‌دهد، و از کنایات و استعارات، پرده برمی‌دارد، و در جای جای کتاب به اعتقادات شیعه اشاره می‌کند. به جز دیباچه که سه صفحه از آن به القاب استادش آقاحسین خوانساری اختصاص دارد، برای معاصران و کسانی که نزدیک به زمان وی می‌زیسته‌اند القاب نمی‌آورد، و گاه از ذکر نام ایشان نیز خودداری می‌کند، از جمله از شیخ بهایی به «بعضهم» یاد می‌کند.

آغاز:

بِسْمِ اللَّهِ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَزَلَ عَلَى عَبْدِ الْفَرَقَانِ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» وَذَكَرَى «لِلْعَالَمِينَ»^{۱۱}، ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ^{۱۲}، مِنْ تَأْوِيلَاتِهِ مَا لَمْ يَعْلَمْ، انْقَطَعَ الْكَلَامُ الْكَلِمَةُ دُونَ تَوْهَمِ ادْرَاكِ كَلِمَتِهِ وَضَلَّ أَوْهَامُ الْحُكَمَاءِ لَدَى عِرْفَانِ حِكْمَتِهِ، تَنَاهَتْ دُونَ مَعْرِفَةِ ذَاتِهِ وَصِفَاتِهِ الْأَنْظَارُ... أَمَّا بَعْدُ، فَيَقُولُ الْعَبْدُ الضَّعِيفُ الْمَحْتِجُ إِلَى اللَّهِ الْقَوِيُّ الْغَنِيُّ أَبُو طَالِبِ بْنِ مِيرْزَابَيْكِ الْمَوْسَوِيِّ الْفَنْدَرَسْكَيِّ لَمَّا رَأَيْتُ أَنْ أُشْرَفَ الْعُلُومَ وَأَسْنَاهَا وَأَزْهَرَهَا وَأَعْلَاهَا دَرَجَةً وَشَأْنًا وَأَقْصَاهَا رَتَبَةً وَمَكَانًا وَأَقْرَبَهَا وَأَوْسَعَهَا ذُرْعًا عِلْمَ التَّفْسِيرِ أَصْلُهُ ثَابِتٌ وَفَرْعُهُ فِي السَّمَاءِ...»^{۱۳}

۱- حسینی اشکوری، سیداحمد، فهرست مرعشی، ج ۱۵، ص ۳۳۵.

۲- حائری، عبدالحسین، فهرست مجلس، ج ۱۹، ص ۲۴۷.

۳- همان، ج ۱۹، ص ۱۶۰.

۴- ص ۲۱۴.

۵- حسینی اشکوری، سیداحمد، فهرست مرعشی، ج ۱۵، ص ۳۳۵.

۶- دانش‌پژوه، محمدتقی، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۶، ص ۲۱۷۱.

۷- نشریه نسخه‌های خطی، دفتر ۷، ص ۱۲۵.

۸- تهرانی، آقابزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیخ، ج ۴، ص ۳۰۰؛ ج ۶، ص ۴۱؛ تیریزی، میرزا علی، مرآة الکتب، ج ۱، صص ۲۰۰-۲۰۱.

۹- فندرسکی، ابوطالب، بیان البدیع، صص ۱۴۸-۱۴۹-۱۶۲-۱۶۳، ۲۰۴، ۲۰۷، ۲۰۹.

۱۰- میراحمدی، مریم، دین و دولت در عصر صفوی، ص ۷۲.

جلالی شاه‌رودی، حسین، وفتات العلماء یا دانشمندان اسلامی، ص ۹۲.

۱۱- سوره نحل (۱۶)، آیه ۸۹.

۱۲- سوره انعام (۶)، آیه ۹۰.

۱۳- سوره بقره (۲)، آیه ۲.

۱۴- سوره ابراهیم (۱۴)، آیه ۲۴.

«... وأصل الكتاب الجمع قيل يحتمل أن إليه انتهى ولا يخلو عن وجه إلا أن يكون تسمية كتاباً لأنه مجموع فلا حاجة إلى أن المشهور الشافع المتبادر إلى الفهم من الكتاب المخطوط المجموع فالمناسب اشتقاقه من الكتب بمعنى الخط لا بمعنى الجمع، وإن كان أصل الكتاب الجمع...^{۱۵} قال في الكشف وقرأ عبدالله بن عبدالله بن مسعود: آلم تنزيل الكتاب لاريب فيه^{۱۶}، وتأليف هذا ظاهر انتهى. وعلى هذا آلم إن كان اسماً للسورة فهو مبتدأ بتقدير مضاف أي تنزيل آلم تنزيل الكتاب أو خبر مبتدأ...».

نسخه خطی

۱. کتابخانه مدرسه آیت الله گلپایگانی؛ نسخه عکسی کتابخانه تخصصی مزارستان تخت فولاد اصفهان، شکسته نستعلیق تحریری، با حواشی مختلف و افتادگی از انجام، یادداشت‌های احمد بن محمد الفقیه اصفهانی ابن محمد علی الهندی در برگ بدرقه مشاهده می‌شود، بدون شمارنده صفحه، رکابه دار، ۱۷۰ برگ، رحلی. چون کتاب به زبان عربی است، محمدجعفر نامی به تاریخ جمادی الاول ۱۱۸۴ ق، در حاشیه به تحریر آن به زبان فارسی اقدام کرده است. مترجم از مغلوپ بودن اصل نسخه، شکایت کرده است؛ ولی ترجمه و تحریر او نیز ناقص است، و چندان دقیق نیست

آغاز حاشیه:

بسمه، «الحمد لولیه والشکر له حدق الثقات منهم المفید أبو عبدالله - طاب ثراه - رفعه حتی بلغ الروایة إلى الربیع کلهم من أهل الإیمان وأهل الصلاح...».

نه. حاشیه علی «أصول الکافی»^{۱۷}، به زبان عربی، و در

۱۵- يك كلمه پاك شده است.

۱۶- سورة سجده (۳۲)، آيات ۱-۲.

۱۷- تهرانی، آقابزرگ، الكواكب المنتشرة، ص ۳۹۲؛ هو، الدررعیة إلى تصانیف الشیعة، ج ۶، ص ۱۸۱؛ تبریزی، میرزاعلی، مرآة الکتب، ج ۱، ص ۲۰۲؛ حسینی اشکوری، سید احمد، تلامذة العلامة المجلسی والمجازون منه، ص ۴۵؛ گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الإمامیه، ج ۲، ص ۲۰۹؛

۵۵. حاشیه علی «حاشیه الخفزی علی الشرح الجدید للتجريد»^{۱۸}، یا شرح «تجريد العقاید»^{۱۹}، یا حاشیه حاشیه «تجريد»^{۲۰}؛ در موضوع الهیات^{۲۱}، و به زبان عربی. کار میرابوطالب، حاشیه بر اثر شیخ شمس الدین محمد بن احمد خفزی است.

نام آن را حاشیه الفخری به عنوان حاشیه بر کار فخرالدین سماکی هم ضبط کرده‌اند که اشتباه می‌نماید^{۲۲}. خود میرابوطالب از آن زیر عنوان حاشیه بر حاشیه خفزی بر الهیات شرح تجريد^{۲۳} و تعلیقه بر حاشیه خفزی بر الهیات تجريد^{۲۴} یاد می‌کند. از جملات دیباچه آن در بیان البدیع استفاده می‌کند^{۲۵} که نشان می‌دهد، پیش از آن تألیف شده، و نگارشی مستقل است نه صرفاً حاشیه‌هایی پراکنده. آن را به اشتباه به جناب میرفندرسکی نیز نسبت داده‌اند.^{۲۶}

یازده. حاشیه علی «الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة»^{۲۷}، به زبان عربی، و در موضوع

زادهوش، محمدرضا، راهنای پژوهش درباره میرفندرسکی، ص ۲۹.

۱۸- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۵۰۰؛ تهرانی، آقابزرگ، الكواكب المنتشرة، ص ۳۹۲؛ هو، الدررعیة إلى تصانیف الشیعة، ج ۶، ص ۶۵؛ ج ۱۳، ص ۱۴۴؛ مدرّس قاموسی (تبریزی)، محمدعلی، ریحانة الأدب، ج ۴، ص ۳۶۰؛ تبریزی، میرزاعلی، مرآة الکتب، ج ۱، ص ۲۰۱؛ گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الإمامیه، ج ۲، ص ۲۰۹؛ زادهوش، محمدرضا، راهنای پژوهش درباره میرفندرسکی، ص ۲۹.

۱۹- این نگارش، شرح مستقیم تجريد العقاید نیست؛ بلکه شرح و حاشیه‌ای است بر حاشیه «خفزی» بر شرح تجريد، پس نمی‌توان آن را شرح تجريد العقاید نامید.

۲۰- گواهی، زهرا، ترجمه شذور الذهب، مجموعه رسائل خطی فارسی، دفتر اول، ص ۱۲۲.

۲۱- حاشیه سیدابوطالب فندرسکی تنها مربوط به قسمت الهیات است، نه بخش‌های هیات و... .

۲۲- تبریزی، میرزاعلی، مرآة الکتب، ج ۱، ص ۲۰۱.

۲۳- فندرسکی، ابوطالب، بیان البدیع، ص ۱۴۷.

۲۴- همان، همان‌جا.

۲۵- همان، صص ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۸۷، ۲۰۴.

۲۶- گواهی، زهرا، ترجمه شذور الذهب، مجموعه رسائل خطی فارسی، دفتر اول، ص ۱۲۲؛ تاج‌دینی، علی، دفاتر ملکوتی، ص ۳۳۵.

۲۷- تهرانی، آقابزرگ، الدررعیة إلى تصانیف الشیعة، ج ۶، ص ۹۱؛ تبریزی، میرزاعلی، مرآة الکتب، ج ۱، ص ۲۰۱؛ گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الإمامیه، ج ۲، ص ۲۰۹؛ مدرّس، سیدحسین، مقدمه‌های برفقه شیعه، صص ۱۸۵-۱۸۶؛ زادهوش، محمدرضا، راهنای پژوهش درباره میرفندرسکی، صص ۲۹-۳۰.

نسخه خطی

می‌کند^{۳۶}؛ بنابراین، پیش از نگارش آن فراهم آمده است.

آقاحسین، برای دیباچه ساقی‌نامه از آثار سیدابوطالب و به خواهش همو چنین سروده است:

ثنای ایزدی را که از نورپاک
شراب روان ریخت در جام خاک^{۳۷}

نسخه خطی

۱. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، رساله نهم از مجموعه شماره ۲۶۶۶، کتابت ۱۱۷۱ ق، صص ۴۵۴-۵۱۶،^{۳۸}

مناجاتی از آن چنین است:

خدایاز غفلت دلم شد سیاه
در این لجه‌ام گشت کشتی تباه

مجازاز حقیقت مرا کرده دور

در آتش فتادم به امید نور

ز شرم گنه نیست روی خطاب

کجاراه یابم به چندین حجاب

چراغی دگر خواهد این جست وجو

زبان دگر خواهد این گفت و گو

سخن گشته نام تو بر هر زبان

هوای تو هر سینه را داده جان

تمتای پنهان و پیداتویی

نداهر که دارد منادی تویی

چه باشد که بخشی دلم را صفا

کنی ساغر م جام گیتی نما

به عفو م که از جرم من در گذر

به لطفت که نام گناه من مبر

بر آتش مسوزان گیاه توام

به باد مده خاک راه توام

ندارد به قهرت دل خسته تاب

بده صبر اگر کرد خواهی عذاب^{۳۹}

۱. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، رساله نخست

از مجموعه شماره ۸۷۴، برگ‌های ۱ پ- ۷۲ پ.^{۳۸}

دوازده. حاشیه علی «معالم الأصول»^{۳۹}، به زبان

عربی^{۳۰}، و در موضوع اصول فقه.

سیزده. دیوان^{۳۱}، به زبان فارسی.

نسخه‌های خطی

۱. کتابخانه شخصی آقای عبدالحسین بیات در اراک، بدون شماره.^{۳۲}

۲. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، رساله شصت و

یکم از مجموعه شماره ۲۳۲۹، صص ۶۳۷-۶۴۲، به

عنوان «مثنی».^{۳۳}

چهارده. ساقی‌نامه^{۳۴}، به نظم فارسی، در ۱۱۷۱ بیت. آن

را به اشتباه به جناب میرفندرسکی نیز نسبت داده‌اند.

در ریاض به صورت «سامی‌نامه» ثبت شده که

تصحیف ساقی‌نامه است^{۳۵}، حال در اصل شرح

حال، و یا پس از آن توسط کاتبان ریاض. در بیان

البدیع از اشعار آن به عنوان شاهد مثال استفاده

۲۸- دانش پژوه، محمدرضا، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۵، ص ۱۸۶۳.

۲۹- معالم الأصول از شیخ حسن است.

۳۰- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۵۰۰؛ تهرانی، آقابزرگ، الکواکب المنتشرة، ص ۳۹۲؛ همو، التدریج الی تصانیف الشیعه، ج ۶، ص ۲۰۴؛ تیریزی، میرزا علی، سمره الکتب، ج ۱، ص ۲۰۱؛ گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الإمامیه، ج ۲، ص ۲۰۹؛ زاده‌وش، محمدرضا، راهنمای پژوهش درباره میرفندرسکی، ص ۳۰.

۳۱- تهرانی، آقابزرگ، التدریج الی تصانیف الشیعه، ج ۹، ص ۴۲، ۸۵۰؛ گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الإمامیه، ج ۲، ص ۲۰۹؛ زاده‌وش، محمدرضا، راهنمای پژوهش درباره میرفندرسکی، ص ۳۰.

۳۲- نشریه نسخه‌های خطی، دفتر ۶، ص ۱۱۳.

۳۳- راستگار، فخری، فهرست مجلس، ج ۸، ص ۳۲.

۳۴- تهرانی، آقابزرگ، الکواکب المنتشرة، ص ۳۹۲؛ همو، التدریج الی تصانیف الشیعه، ج ۹، ص ۴۲؛ ج ۱۲، ص ۱۰۳، ش ۶۷۳؛ محدث قمی، عباس بن محمدرضا، الکنی والألقاب، ج ۳، ص ۳۶؛ حسینی اشکوری، سیداحمد، تلامذة العلامة المجلسی و المجازون منه، ص ۱۵؛ گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الإمامیه، ج ۲، ص ۲۰۹؛ زاده‌وش، محمدرضا، راهنمای پژوهش درباره میرفندرسکی، صص ۳۰-۳۱.

۳۵- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۵۰۰.

۳۶- فندرسکی، ابوطالب، بیان البدیع، صص ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۹.

۳۷- ۴۴، ۴۴، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۰، ۷۰، ۸۵، ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۷.

۳۸- ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۱، ۱۲۱، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۵۶، ۱۶۹، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۴.

۳۹- ممان، ص ۲۰۴.

۳۱- راستگار، فخری، فهرست مجلس، ج ۸، ص ۴۲۶.

۳۲- گل‌چین معانی، احمد، تذکره پیمانه، ص ۳۹.

پانزدهم. السّفینه^{۴۰}، به زبان عربی، و در موضوع علوم حدیث، همراه با تراجم برخی از معاصرین به خط مؤلف و اجازه علامه مجلسی به شیخ حرّ عاملی، اجازه شیخ حرّ عاملی به علامه مجلسی^{۴۱}، و اجازه علامه مجلسی به شیخ زین العابدین برادر شیخ حرّ عاملی.

نسخه خطی

۱. کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی.^{۴۲}

شانزدهم. شرح علی «شافیه» ابن الحاجب^{۴۳} یا حاشیه علی حاشیه ابن حاجب^{۴۴}، به زبان عربی، و در موضوع صرف.

هفدهم. شرح عوامل. به زبان عربی. در بیان البدیع از جملات دیباچه آن به عنوان شاهد مثال استفاده می‌کند^{۴۵}، و بنابراین، پیش از آن به نگارش درآمده است. در منابع، نامی از آن نیافته‌ام.

هیجدهم. صیدگاه. انشایی به زبان فارسی که در بیان البدیع از آن یاد می‌کند^{۴۶}، و بنابراین، پیش از آن به نگارش درآمده است. در منابع، نامی از آن نیافته‌ام.

نوزدهم. غزوات حیدری^{۴۷}، یا حربه حیدری، یا جذبیه

۴۰- گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الإمامیه، ج ۲، ص ۲۰۹؛

زادهوش، محمدرضا، راهنمای پژوهش درباره میرفندرسکی، ص ۳۱.

۴۱- در حقیقت، علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی، اجازه طرفینی انجام داده‌اند.

۴۲- تهرانی، آقابزرگ، الدرریمه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۲، صص ۱۹۲-۱۹۳.

۴۳- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۵۰۱؛ تهرانی، آقابزرگ، الکوکب المنتشرة،

ص ۳۹۲؛ همو، الدرریمه الی تصانیف الشیعه، ج ۶، ص ۱۰۵؛ امین عاملی، سیدمحسن بن عبدالکریم، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۶۶؛

گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الإمامیه، ج ۲، ص ۲۱۰؛ زادهوش، محمدرضا، راهنمای پژوهش درباره میرفندرسکی، ص ۳۱.

۴۴- تبریزی، میرزا علی، مرآة الکتب، ج ۱، ص ۲۰۱.

۴۵- همان، صص ۱۸۷، ۲۰۴.

۴۶- فندرسکی، ابوطالب، بیان البدیع، ص ۱۴۹.

۴۷- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۵۰۱؛ احسن بنگالی، عبدالعلی خان، مثنوی جذبیه

حیدری، نسخه خطی کتابخانه شخصی عبدالحسین بیات در تهران، کتابت ۱۲۰۲ق (تهرانی، آقابزرگ، الدرریمه الی تصانیف الشیعه،

ج ۱۹، ص ۱۴۶، ش ۷۲۴)؛ تهرانی، آقابزرگ، الکوکب المنتشرة، ص ۳۹۲؛ همو، الدرریمه الی تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۹، ش ۴۲؛

ج ۷، ص ۹۱؛ ج ۹، ص ۴۲؛ ج ۱۶، ص ۵۳، ش ۲۴۲، «غزوات حیدری»؛ ج ۱۹، صص ۱۴۶، ۲۵۱، «مثنوی...»؛ مدرّس قاموسی

حیدری، یا حمله حیدری. به زبان فارسی، در پنج هزار بیت. حماسه‌ای است دینی درباره جنگ‌های امیر مؤمنان علیه السلام. گفته‌اند که منظومه‌ای است

در تکمیل حمله حیدری از میرزا محمد رفیع خان شاه جهان آبادی^{۴۸} مشهور به باذل مشهدی^{۴۹}؛

ولی واقعیت این است که اثر سید ابوطالب، کاری است مستقل از اثر باذل که سال‌ها پیش از شروع کار باذل، سروده شده است. در بیان البدیع به ایاتی از آن اشاره می‌کند^{۵۰}؛ بنابراین،

پیش از نگارش آن فراهم آمده است. این اثر ابوطالب فندرسکی، مشهورترین کار او به شمار می‌رود. آن را به اشتباه به جناب میرفندرسکی نیز نسبت داده‌اند. ترجمه اصل حمله حیدری سروده باذل نیز زیر عنوان غزوات حیدری توسط سید محمد هارون زنجی فوری به اردو ترجمه شده، و در هندوستان به چاپ رسیده است^{۵۱} که نباید با کار میر ابوطالب فندرسکی اشتباه گرفته شود.

(تبریزی)، محمدعلی، ریحانة الأدب، ج ۴، ص ۳۶۰؛ محدث قمی، عباس بن محمدرضا، الکنی و الألقاب، ج ۳، ص ۳۶؛ منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۴، ص ۲۷۷۴؛ همو، فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۳، صص ۱۶۲۹-۱۶۳۰، ۱۷۲۳؛ بر گل، ادبیات فارسی، ج ۲، ص ۸۴۳؛ حسینی اشکوری، سیداحمد، تلامذة العلامة المجلسی و المجازون منه، ص ۱۵؛ گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الإمامیه، ج ۲، ص ۲۱۰؛ زادهوش، محمدرضا، راهنمای پژوهش درباره میرفندرسکی، صص ۳۱-۳۲.

۴۸- امروزه شاه جهان آباد رادهلی می‌خوانند.

۴۹- برای نسخه‌های خطی حمله حیدری سروده باذل، و ذیل‌های آن بنگرید به: منزوی، احمد، فهرست مشترك، ج ۸، صص ۱۱۱۱، ۱۰۰۹؛ همو، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۴، ص ۲۷۷۵؛ ج ۶، ص ۴۴۵۵؛ همو، فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۳، صص ۱۶۲۷-۱۶۳۰.

۵۰- فندرسکی، ابوطالب، بیان البدیع، صص ۱۴، ۳۰-۳۱، ۳۴-۳۶، ۳۸، ۴۷، ۵۲-۵۴، ۵۶، ۵۹، ۶۱، ۶۴-۶۶، ۶۸، ۷۱-۷۳، ۷۹-۸۰، ۸۸، ۹۵-۹۶، ۱۰۱، ۱۰۵-۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۲۰-۱۲۱.

۵۱- تهرانی، آقابزرگ، الدرریمه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۶، ص ۵۳، ش ۲۴۳، «غزوات حیدری».

نسخه‌های خطی

۱. کتابخانه آصفیه در حیدرآباد دکن. ۵۲
۲. کتابخانه آصفیه در حیدرآباد دکن. ۵۳
۲. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۷۳، ۷۹۹۸ برگ. ۵۴
۳. کتابخانه مجلس شورای اسلامی. ۵۵
۳. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۲۸۷۳، کتابت قرن ۱۲ ق، ۱۵۳ برگ. ۵۶
۳. کتابخانه موزه سالار جنگ، شماره ۲۰۳۳، ۵۷
۴. کتابخانه شخصی دکتر حسین مفتاح در تهران، شماره ۷۳۸، کتابت ۱۱۹۲ ق. ۵۸

چاپ‌ها:

- ۱-۲. شخصی به نام نجف آن رابه سال ۱۳۵۱ ق در پایان کار باذل مشهدی آورده، و ابیاتی چند در پیوند دادن این دو منظومه سروده است. این سه بخش در هندوستان و ایران به چاپ رسیده، و انتشار یافته است. ۵۹
- بیست. قصیده لامیه.
- به مدح امیر مؤمنان علی علیه السلام اختصاص دارد. ابیاتی از آن چنین است:

وَبَدْرُ الدَّجِيِّ بِالْبَيْضِ فِي الْمَشِيِّ سَائِرٍ
وَوَعْنُ النَّقِيِّ لِلْهَيْفِ فِي الرَّقْصِ مَائِلٍ ۶۰

عَلَى لُجَّةِ الْإِبْقَانِ مَنَى سَفَايِنِ
وَفِي مَنَهْجِ الْعَرَفَانِ مَنَى قَوَائِلِ ۶۱
يَحْمَلُنِي الْأَنْشَاءُ مِنْهُنَّ شَادِنِ
وَالْأَفَمِّمِ الطَّبَعِ بِالشَّعْرِ مَائِلِ ۶۲

در رساله بیان البدیع به ابیات آن تمثیل می‌جوید ۶۳؛ بنا بر این، پیش از آن سروده شده است. در منابع، نامی از آن نیافته‌ام.

بیست و یک. مجمع البحرین ۶۵، به زبان فارسی، مفصل و در موضوع ادبیات که به عروض و قافیه در شعر عربی و فارسی پرداخته است.

بیست و دو. المنتهی ۶۶، به زبان عربی، و در موضوع نجوم. در ریاض به عنوان «المنتهی فی التحو» ۶۷، در ذریعه ۶۸ و الکنی و الألقاب ۱۱ به عنوان «المنتهی فی التجوم» و در اعیان الشیعه به عنوان «المنتهی فی التحو أو التجوم» آمده است. ۶۹ شك نیست که میرابو طالب در زمینه نجوم و ستاره‌شناسی دستی داشته است؛ چنان‌که در این باره،

۶۱- همان، ص ۵۸.

۶۲- همان، ص ۵۹.

۶۳- گاه با تصریح به نام قصیده، و گاه بدون ذکر مأخذ.

۶۴- همان، صص ۵۳، ۵۸، ۵۹، ۹۷، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۳۶-۱۳۷، ۱۷۴، ۲۰۶.

۶۵- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۵۰۰؛ تهرانی، آقابزرگ، الکوکب المنشرة، ص ۳۹۲؛ همو، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۱، ۱۷۶۴؛ تبریزی، میرزا علی، مرآة الکتب، ج ۱، ص ۲۰۱؛ حسینی اشکوری، سید احمد، تلامذة العلماة المجلسی و المجازون منه، ص ۱۵؛ گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الإمامیه، ج ۲، ص ۲۱۰؛ زاده‌وش، محمدرضا، راهنمای پژوهش درباره میرفندرسکی، ص ۳۲.

۶۶- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۵۰۰؛ تهرانی، آقابزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۳، ص ۱۱؛ امین عاملی، سید محسن بن عبدالکریم، اعیان الشیعه، ج ۲، صص ۳۶۵-۳۶۶؛ مدرّس قاموسی (تبریزی)، محمد علی، ریحانة الأدب، ج ۴، ص ۳۶۰؛ تبریزی، میرزا علی، مرآة الکتب، ج ۱، ص ۲۰۰؛ حسینی اشکوری، سید احمد، تلامذة العلماة المجلسی و المجازون منه، ص ۱۵؛ گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الإمامیه، ج ۲، ص ۲۱۰؛ زاده‌وش، محمدرضا، راهنمای پژوهش درباره میرفندرسکی، ص ۳۲؛ همو، فرهنگ آثار منتجمان اصفهان، نسخه دست‌نویس.

۶۷- تهرانی، آقابزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۳، ص ۱۱.

۶۸- تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۳، ص ۱۱.

۶۹- در امین عاملی، سید محسن بن عبدالکریم، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۶۵.

۵۲- بهادر، میر عثمان علی، فهرست، ج ۴، ص ۹۸.

۵۳- همان، ج ۳، ص ۱۰۰.

۵۴- صدرایی خوبی، علی، فهرست مجلس، ج ۲۶، ص ۴۸۵.

۵۵- دانش پژوه، محمد تقی و بهاء‌الدین علمی انواری، فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه مجلس سنا، ج ۲، ص ۲۲۵.

۵۶- دانش پژوه، محمد تقی، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۰، ص ۱۷۱۷.

۵۷- فهرست، ج ۵، ص ۲۳۶.

۵۸- نشریه نسخه‌های خطی، دفتر ۷، ص ۱۴۷.

۵۹- منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۴، ص ۲۷۷۴؛ همو، فهرست مشترک، ج ۸، ص ۱۰۱۱؛ همو، فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۳، صص ۱۶۲۹-۱۶۳۰.

۶۰- فندرسکی، ابوطالب، بیان البدیع، ص ۵۳.

تقویم را هم نگاشته است. آن را به اشتباه به جناب میرفندرسکی نیز نسبت داده‌اند.

بیست و سه. نسب نامچه سادات فندرسک،^{۷۰} به زبان فارسی، در موضوع تاریخ و تراجم. نسب‌نامه سیدابوطالب است که به امام موسی کاظم علیه‌السلام می‌رسد. نام فرزندان سیدابوطالب و تاریخ تولد آنها نیز در پایان آمده است.

نسخه خطی

۱. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، رساله بیست و ششم از مجموعه شماره ۲۴۶۵، کتابت به شکسته نستعلیق تحریری، ۲ ص. ۷۱

بیست و چهار. نگارخانه چین^{۷۲}، یا منشآت، به زبان فارسی و عربی.

مجموعه منشآت و نامه‌های او است. در ذریعه به عنوان اشعاری در تتمه حمله حیدری و در ریاض به عنوان منشآت آمده است.^{۷۳} اشعار آن، گاه در بیان البدیع مورد استفاده قرار می‌گیرد^{۷۴}؛ بنابراین، پس از نگارش آن فراهم آمده است. میرابوطالب در رساله بیان البدیع خود، بارها از نمونه‌های نثر و نظم خود به عنوان شاهد، سود می‌جوید؛ پس طبیعی است که زمانی به گردآوری همه آنها در

دفتری جداگانه همت گمارده باشد. آقاحسین، به خواهش سیدابوطالب، دو بیت برای دیباچه نگارخانه چین سروده است:

خیر باد صبر و طاقت خیر باد
عکس ساقی باز در ساغر فتاد
ساقی آمد باز با صد آب و تاب
خرّم و خندان تر از عهد شباب^{۷۵}

نسخه‌های خطی

۱. کتابخانه شخصی آقای عبدالحسین بیات در اراک، کتابت رفیع‌الدین محمد رافع در ۱۰۷۸ - ۱۰۸۴ ق. ۷۶

۲. کتابخانه آستان قدس رضوی، رساله پنجم از مجموعه شماره ۴۴۹۴، صص ۱۸۵ - ۱۸۶^{۷۷}.

۳. کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، رساله سی و هشتم از مجموعه شماره ۲۵۹۱، کتابت قرن ۱۳ ق، صص ۱۲۶ - ۱۳۵^{۷۸}.

بیست و پنج. هفت کوب. انشایی به زبان فارسی که در بیان البدیع از آن یاد می‌کند^{۷۹}، و بنابراین، پیش از آن به نگارش درآمده است. در منابع، نامی از آن نیافته‌ام.

فهرست منابع و مآخذ

۱. افندی اصفهانی، میرزا عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، به کوشش سیداحمد حسینی اشکوری، قم: کتابخانه مرعشی، چاپ اول ۱۴۰۱ ق.

۲. امین عاملی، سیدمحسن بن عبدالکریم، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، [بی تا]، ج ۲.

۳. تبریزی، میرزا علی، مرآة الکتب، به تحقیق محمدعلی حائری، قم: کتابخانه مرعشی، چاپ اول ۱۴۱۴ ق.

۴. تجلی پور، مهدی، دایرةالمعارف موضوعی دانش بشر، تهران: امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۴۹ ش.

۵. تهرانی، آقابزرگ، الدررعیة الی تصانیف الشیعه، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.

۶. همو، الکوکب المتشررة فی القرن الثانی بعد العشره، به تحقیق

۷۰- گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الامامیه، ج ۲، ص ۲۱۰؛ زادهوش، محمدرضا، راهنمای پژوهش درباره میرفندرسکی، ص ۳۳.

۷۱- دانش پژوه، محمدتقی، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۹، ص ۱۲۱۶.

۷۲- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۵۰۱؛ تهرانی، آقابزرگ، الدررعیة الی تصانیف الشیعه، ج ۱۹، ص ۳۲۶، «نگارنامه چینی»؛ ج ۲۴، ص ۳۰۷، ش ۱۶۰۶، «نگارخانه چین»؛ همو، الکوکب المتشررة، ص ۳۹۲؛ مدرّس قاموسی (تبریزی)، محمدعلی، ریحانة الأدب، ج ۴، ص ۳۶۰؛

محدث قمی، عباس بن محمدرضا، الکنی والألقاب، ج ۳، ص ۳۶؛ حسینی اشکوری، سیداحمد، تلامذة العلامة المجلسی و المجازون منه، ص ۱۵؛ گروه نویسندگان، موسوعه مؤلفی الامامیه، ج ۲، صص ۲۱۰-۲۱۱؛ زادهوش، محمدرضا، راهنمای پژوهش درباره میرفندرسکی، ص ۳۳.

۷۳- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله بن عیسی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۵۰۱؛ نیز: تبریزی، میرزا علی، مرآة الکتب، ج ۱، ص ۲۰۲.

۷۴- فندرسکی، ابوطالب، بیان البدیع، صص ۳۲، ۵۰، ۷۸، ۸۱، ۹۲، ۹۸، ۱۱۹، ۱۶۴، ۲۰۱، ۲۱۵.

- علی نقی منزوی، [تهران]: دانشگاه تهران، چاپ اول ۱۳۷۲ق.
۷. حاج سید جواد، کمال (زیر نظر)، *دایرة المعارف تشیع*، تهران: سعید محبی، چاپ اول، ج ۱.
۸. حسینی اشکوری، سید احمد، *تلامذة العلامة المجلسی و المجازون منه*، قم: کتابخانه مرعشی، چاپ اول ۱۴۱۰ق.
۹. خاتون آبادی، عبدالحسین، *وقایع السنین والأعوام*، به تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: اسلامیه، ۱۳۵۲ش.
۱۰. خیام پور، [عبدالرسول]، *فرهنگ سخنوران*، تبریز: شرکت چاپ کتاب آذربایجان، ۱۳۴۰ش، ج ۱.
۱۱. دوانی، علی، *علامة مجلسی بزرگ مرد علم و دین*، تهران: امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۷۰ش.
۱۲. زادهوش، محمدرضا، *راه‌نمای پژوهش درباره میرفندرسکی*، اصفهان: مهر قائم، چاپ اول ۱۳۸۳ش.
۱۳. زنوزی، عبدالحسین، *مطرح الأنظار فی طبقات اطباء الاعصار وفلاسفة الأمصار*، تبریز: [بی‌نا]، چاپ اول ۱۳۳۴ش.
۱۴. صفای، ذبیح‌الله، *حماسه سراسی در ایران*، از قدیم‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری، تهران: امیرکبیر، چاپ اول ۱۳۳۲ش.
۱۵. فاضلی خوانساری، محمدرحمن، *محقق خوانساری*، به تحقیق سیدجعفر حسینی اشکوری، قم: مؤسسه فاضل خوانساری و مجمع ذخائر اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۸ش.
۱۶. فندرسکی، ابوطالب بن جلال‌الدین، *نسب‌نامه سادات فندرسکی*، نسخه عکسی کتابخانه نگارنده این مقال از روی نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۲۶ / ۲۶۶۵، کتابت ۱۱۰۴ق.
۱۸. کاشفی خوانساری، سیدعلی، «مروری بر احوال و آثار میرزا ابوطالب فندرسکی»، *فصل‌نامه آینه میراث*، پاییز ۱۳۸۰ش.
۱۹. گل‌چین معانی، احمد، *تذکره پیمانہ*، مشهد: دانشگاه مشهد، [چاپ اول ۱۳۵۹ش].
۲۰. محدث قمی، عباس بن محمدرضا، *الکنی والألقاب*، تهران: کتابخانه صدر، [بی‌نا]، ج ۳.
۲۱. مدرّس قاموسی (تبریزی)، محمدرضا، *ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة والألقاب*، تبریز: چاپ‌خانه شفق، [چاپ سوم بی‌نا]، ج ۴.
۲۲. معین، محمد، *فرهنگ فارسی (اعلام)*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۳ش، ج ۶.
۲۳. هدایت، رضاقلی بن محمدهادی، *تذکره ریاض العارفین*، به کوشش مهرعلی گرگانی، تهران: کتاب‌فروشی محمودی، ۱۳۴۴ش.
۲۴. همو، *مجمع الفصحاء*، تهران: [بی‌نا]، ۱۲۵۹ق.

در فایده تصویبی است و همان کلام است که مصانع بهما
 در آن متجزی بوده مستفادش فیضی از بیان شش سوره را
 بجز و تصور حشران نموده اند اینست تمام آنچه اهل بیت
 از فرج این فن برین و خاتمه سنون ثلثه نبیست معانی
 بهنج در مصنفات خویش کرده اند اللهم جعلت شیئا
 خلقا حسنا بالایجاد و ادوا بسط الاحوان بالخلق
 علی تشبیب الفضل بالرشاد اختر عاقبة امورنا
 ستمراتینج باطنی فاک الاول عویش شریح الآخر
 و انت المتوسی
 تمت الکتب بجمع
 الملک الوهاب
 ۱۳۳۳
 بیادگار لوم سیرت
 ستر زار خط من لک
 بهادرتن بیستند